

ثبت نام در کتاب زندگی

برگزیده سخنان والدین راستین در روز پیروزی عشق
چهارم فوریه دوهزار و یازده - قصر چان جانگ

شما از چگونگی دعای من در زمان تاسیس "چان بوک گونگ" اطلاع ندارید. در این روز یک پادشاهی تازه در دو دنیای روح و جسم بوجود آمد. جدایی عصر قبل از ظهور پادشاهی بهشتی و عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی در یک روز صورت گرفت^۱. شب بود و صبح بود (و یک روز تازه!) و این انعکاس یا سمبل سه مرحله‌ی رشد بود.

در گذشته نمی‌شد برای تقویم شمسی و تقویم قمری نقطه‌ی مشترکی یافت، چرا که بطور تاریخی بین آنها فاصله وجود داشت. اینکه عنوان می‌شود که این روز، دو حوزه‌ی این دنیای فاقد زوج مفعولی (برای ایجاد ارتباط) را به دو قسمت تقسیم کرده است، یعنی چه؟ این واقعیت شگفت‌انگیز که ما روزهای یادبود یا روزهای مهم را نه بر اساس تقویم شمسی بلکه بر اساس تقویم قمری جشن می‌گیریم، خود یک معجزه‌ی بزرگ در میان تمامی معجزات است.

مسائل تاریخی خاصی چگونگی راه برای ملازمت به خدای زنده را برای ما آشکار ساخته‌اند. در عهدی که در آن تحقق پادشاهی می‌تواند متمرکز بر دفتر مرکزی نهضت هماهنگ در پیشگاه خدا برپا شود، مطالب عنوان شده در دعای من از بین نرفته بلکه باید با تاثیرگذاری بر محیط برای همیشه با ما باقی بماند. همانطور که خورشید با طلوع و غروب خود در حین مبدل شدن شب به روز و سپری شدن یک روز، یک سال، ده سال و هزاران سال، همچنان با گردش در محور خود، گردش کروی خود را ثابت حفظ می‌کند، ما نیز باید موقعیت خود را بطور مشابه حفظ کنیم. ما با غلبه بر تمامی موقعیتها در محیط اطرافمان، در این دنیای فاقد راه برای تبعیت، راه را هموار می‌کنیم.

در عصر قبل از ظهور پادشاهی بهشتی و امروز در عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی، ساکنین دنیای روح می‌توانند بروی زمین بیایند. اکنون آنهایی که واژگون شده، به خدا پشت کرده و به خواب رفته بودند، می‌توانند از خواب برخاسته و با کسی که در طی چهار فصل و سیصد و شصت و پنج روز سال از او دور بوده‌اند، از نو زندگی کنند. روزی که در آن ما فریاد جاوید باد سر دهیم، روزی که در آن ما باید اتحاد زمان و مکان را برپا کنیم، همین روز و همین ساعت است.

تمامی این مسائل از اصل آفرینش باید آموزش داده شوند، اما کسی بر این موضوع واقف نیست. من از اصل الهی آگاهی دارم، اما دنیا، کشورها و مذاهب چیزی در مورد آن نمی‌دانند. هرگز هیچ مذهبی بر این موضوع واقف نبوده است. حتی

^۱پنجم ماه مه سال دوهزار و چهار، روزی بود که پدر چنین اعلانیهای را صادر کردند.

اسرائیل از اصل آفرینش آگاهی نداشته است، هابیل و قابیل هم از آن اطلاعی نداشته‌اند. (در چنین شرایطی) خدا در قالب خدای شب و خدای روز وجود داشته و راه بسوی کمال خدای شب و خدای روز هنوز دست نخورده باقی مانده است. بله درست است خدای شب و خدای روز از هم جدا بوده‌اند.

مردانی که هیچ شناختی از زن ندارند، نابود خواهند شد و همانطور زنانی هم که در مورد مرد چیزی نمی‌دانند از بین خواهند رفت. اما وقتی که آنها با هم هستند، می‌توانند بیاموزند تا چنین و چنان کنند و با کسب شناخت در مورد انواع و اقسام چیزها در تمامی جهات اتحاد برقرار کنند.

در زمان تولد و بعد در زمان کودکی‌ام، پدر بزرگ و بستگانم گفتند که یک موجود زیرک و بهشتی در خانواده‌ی ما با به عرصه‌ی وجود نهاده است. نه تنها پدر بزرگ من بلکه دیگر بستگانم هم چنین گفتند. چرا آنها چنین فکر می‌کردند؟ مثلاً در آن زمان همیشه قبل از اینکه آنها بخواهند از من چیزی بپرسند، من به آنها می‌گفتم "پدر بزرگ می‌خواستید تا چنین یا چنان چیزی را از من بپرسید، اینطور نیست؟" و او با تعجب می‌گفت "چی؟! چطور از چنین چیزی اطلاع داری؟! یا قبل از اینکه آنها بخواهند چیزی بگویند، به آنها می‌گفتم، "چرا می‌خواهید در این مورد بدانید؟ اگر قبلاً از من پرسیده بودید به شما می‌گفتم."

در این صورت فکر می‌کنید که پدر بزرگم چه احساسی داشت؟ نوه‌ی او در مقامی بالاتر از او قرار گرفته و در واقع حتی در مسیر پیشی گرفتن از پدر و مادرش بود. آنها می‌پرسیدند که "تو کی هستی؟ و از کجا آمده‌ای؟" اینجا بود که پدر بزرگ و دیگران می‌گفتند که یک نابغه در خانواده‌ی ما متولد شده است...

(در اینجا پدر از رورند هوانگ خواست تا گزارش بدهد. رورند هوانگ در گزارش خود به این نکته اشاره کرد که کشور کره، کشور و موطن خدا است و تمامی خانواده‌های برکت گرفته باید در آن ثبت نام کنند. اینجا بود که پدر دوباره صحبت کردند و از تمامی حضار خواستند تا با صدای بلند کلمه‌ی "ثبت نام" را تکرار کنند!)

نقطه متضاد آن چیست؟ ورود دشمن^۱! آیا این موضوع به معنی آمدن دزد نیست؟ آیا فکر می‌کنید که اشتباه است؟ وقتی که کلمه‌ی ثبت نام را بخش بخش توضیح می‌دهید این کلمه به معنای ورود دزدهای بد نام خواهد شد. **جونگنو یون!** (بله) آیا این اولین باری است که چنین چیزی را می‌شنوی؟ (بله) تو قبل از این درباره‌ی ثبت نام کردن شنیده بودی اما نمی‌دانستی که در این صورت دزدان بسیاری وارد خواهند شد، تمامی انواع دزدها خواهند آمد...

اکنون همه چیز به اتمام رسیده است. منظورم این است که همه چیز انجام شده و به نقطه‌ی پایانی رسیده است. تعالیم پدر همه به تمامی ارائه شده است. اکنون چه چیزی برای انجام دادن باقی مانده است؟ وقتی که بواسطه‌ی تمامی مسائلی را که من در طی نود سال زندگی‌ام عنوان کرده‌ام همه چیز واژگون شده و شما ثبت نام کرده باشید، در این صورت همه چیز به اتمام رسیده است. همه چیز انجام شده، اینطور نیست؟ (بله) با ثبت نام کردن همه چیز واژگون می‌شود. شما در زمان ثبت نام چه چیزی با خودتان همراه خواهید داشت؟ تمامی داری‌های شما واژگون خواهد شد و شما به همان شکل شهروند پادشاهی بهشتی شده و در این صورت براستی این پادشاهی به شما تعلق خواهد داشت.

^۱ کلمه‌ی ثبت نام در زبان کره‌ای "ایبجاک" است که به طور معمول به معنای ثبت نام فرد در خانواده بکار می‌رود. بعنوان مثال بدنبال از دواج نام زن در خانواده‌ی شوهر ثبت می‌شود. همچنین "ایب" به معنای ورود و "جاک" به معنای کتاب است و به این خاطر بنظر می‌رسد که پدر بر موضوع ثبت نام در ارتباط با خانواده‌ی راستین تاکید دارد.

^۲ در واقع پدر با کلمه‌ی "ایبجاک" با انواع حروف چینی بازی می‌کند. این کلمه با یک حرف چینی به معنای ثبت نام است. "جاک" با یک حرف چینی به معنای کتاب است، اما با یک حرف چینی دیگر به معنای دزد یا دشمن است. همینطور اگر دو بخش "ایب" و "جاک" جا به جا شوند به معنای "ورود دزد خواهد بود."

حتی اگر ده میلیون انسان را به قتل رسانده باشید، در زمان ثبت نام تمامی گذشته‌ی شما پاک خواهد شد. خدا با فراموش کردن گذشته‌ی شما، دیگر کاری با شما نخواهد داشت. و وقتیکه که او در چنین جایگاهی به وجد درآید، بطور اتوماتیک پادشاهی بهشتی بنا خواهد شد. "هون مونیم" تو چطور؟ تو نیز باید ثبت نام کنی!

شما می‌خواهید تا رورند مون به حرفهای شما توجه کرده و از شما پیروی کند. مردمی که طالب چنین چیزی هستند دزدانی بیش نیستند. شما باید تنبیه شوید. باید بدانید که این شما هستید که به کلام رورند مون نیاز دارید. تا به این زمان مردم همه اینچنین بسان دزد عمل کرده‌اند. آیا آنها با من مخالفت نکردند؟ آیا دشمن من نشدند؟ اما وقتیکه ثبت نام کنند، همه چیز حل و فصل خواهد شد. اگر می‌خواهید سعی کنید این جمله را تکرار کنید "من به چنین گفتاری نیاز ندارم" اگر چنین کنید، نابود خواهید شد....

ضروری است تا چنین مطالبی را به هر خانه‌ای در جهان برده و آموزش دهید. با فارغ‌التحصیل شدن مردم از دبستان، مدارس راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه همه چیز تمام خواهد شد، چرا که همگی ثبت نام خواهند کرد. نه تنها دزدها بلکه افراد متقلب، قاتل و حتی آنهایی که قرار است به دار آویخته شوند همه به تمامی ثبت نام کرده و گذشته‌هایشان پاک خواهد شد. آیا متوجه منظور من می‌شوید؟ (بله) ملیت امتیازی نخواهد بود، چه ژاپنی باشید و یا هر ملیت دیگری، باید ثبت نام کنید. آمریکائیان نیز باید ثبت نام کنند. حتی جناب رئیس جمهور نیز باید ثبت نام کند. وقتیکه همه ثبت نام کردند آیا کار دیگری برای انجام دادن باقی خواهد ماند؟ (نه، همه چیز تمام خواهد شد.)

مشکل از آنجا آغاز می‌شود که مردم ثبت نام نکرده باشند. در این صورت، آیا آنها می‌توانند هر کاری که دلشان خواست انجام دهند؟ آنها اینجا و آنجا رفته و از مردم می‌خواهند تا نه به سخنان والدین بلکه به حرفهای خودشان توجه کرده و به آنها کمک مالی کنند و خلاصه هر چه که دلشان می‌خواهد انجام دهند. چرا آنها مردم را فریب می‌دهند؟ دزدان بسیاری در این دنیا وجود دارد. در این آخر زمان من رابطه‌ام را با تمامی آنها قطع کرده و برآستی مثل پر احساس سبکی می‌کنم. دور و بر من نپلکید، تنها زمانی بسوی من بیایید که ثبت نام کرده باشید. وقتیکه چنین کنید من چاره‌ای جز این ندارم که با شما بسان فرزند خود یا حواری خود رفتار کنم. در این صورت شما راه برای زیستن، راه برای پیروی را خواهید یافت.

برای اینکه بتوانید پدری شگفت‌انگیز شوید ضروری است تا در مقام خدمتکار بایستید. برای اینکه بتوانید مادری شگفت‌انگیز شوید نه تنها باید یک خدمتکار شده بلکه باید بخواید تا حتی یک غذا شده و دست به هر کاری بزنید. حتی اگر خواستار انجام چنین چیزی نیستید، در صورت ثبت نام کردن، قادر خواهید بود تا آن را به خوبی به انجام برسانید، بنابراین چرا نگران هستید؟ برای ثبت نام کردن، نتیجه‌ی زندگی شما چه چیزی باید باشد؟ کلام اصل الهی! لازم است تا شما بر اساس جذب کامل تعالیم از محتویات هون سوک هه ثبت نام کنید. اینطور نیست؟ (بله)

من از شما می‌خواهم تا ثبت نام کنید اما شما با من چنان رفتار می‌کنید که انگار دزدی بیش نیستم. چرا از ثبت نام کردن خودداری می‌کنید؟ همین امروز چنین کنید! شما کتابها و مواد آموزشی رورند مون را در اختیار دارید، با همین‌ها ثبت نام کنید، آیا متوجه می‌شوید یا نه؟

بوهی پاک! (بله) تو چه خواهی کرد؟ چانگ شیک یانگ! تو چطور؟ اوه دیگر لازم نیست تا به شما هم بگویم. بونگ ته! (بله) برو و انجام بده! مهم نیست اگر حتی یک دزد باشید، حتی اگر گناهکاری باشید که در لبه‌ی پرتگاه برای بدار آویخته شدن آماده می‌شوید، اگر قبل از آخرین نفس ثبت نام کنید، اجازه زندگی خواهید یافت. بیشتر از این دیگر چه می‌خواهید؟ ...

بنابر این هر کسی که باشید می‌توانید ثبت نام کنید! آنگاه با همگان به یک صورت رفتار خواهد شد چرا که همه برابر خواهند بود. وقتیکه از شما برای شرکت در ضیافتی دعوت می‌کنم و شما می‌آیید، من به آنهایی که دیرتر می‌آیند کیک برنج می‌دهم. من می‌دانم که چه باید کرد، البته نه به آنهایی که زود و بموقع آمده‌اند بلکه به آنهایی که دیر آمده‌اند کمک می‌کنم، تا لباسهایشان را عوض کرده و با من بر سر میز ضیافت حاضر شوند. دیگر چه می‌خواهید؟

چرا خواستار شنیدن سخنان پدر هستید، من که همه چیز را به شما داده‌ام... دوسون! (شما همه چیز را داده‌اید!) پشت سر

⁴ کسی که بعنوان واسطه برای دمونیم در برنامه‌های آموزشی روحی چانگ بیانگ کار می‌کند.

توجه کسی نشسته؟ (من شین هو جانگ هستم) شین هو جانگ! (بله، شما همه چیز را داده‌اید.) همه چیز به انجام رسیده‌است، اینطور نیست؟

من از تمامی شما می‌خواهم تا ثبت نام کنید. عبارت "جاک" (در کلمه‌ی اییچاک) به معنای دزد است. من هم می‌توانم همین الان ثبت نام کنم. "من والدین راستین مان را، والدین شب و روز را آزاد ساختم، لطفاً به من اجازه‌ی ثبت نام بدهید. لطفاً نام مرا بعنوان فرزند خودتان، بعنوان کسی که مالک پادشاهی بهشتی ابدی شما خواهد شد، ثبت کنید." آیا این چیزی نیست که من (در زمان ثبت نام) بگویم؟

از آنجاییکه من ثبت نام کرده‌ام، از شما می‌خواهم تا با استفاده از کتابها و مواد آموزشی من ثبت نام کنید. این امری ضروری برای تمامی شما است. اسقف/عظم میلینگو! شما نیز ثبت نام کن! اگر فکر می‌کنی که قادر به انجام چنین چیزی نیستی دستت را بالا بیاور! (ما چنین خواهیم کرد.) اکنون همه چیز به انجام رسید. اکنون می‌توانید به هر صورتی که بخواهید زندگی کنید. به چیزی دست نمی‌زنم و از شما انتظار توجه و مساعدت هم ندارم.

هر جا که بروم در پادشاهی بهشتی خواهم بود. مرزهای بین ملت‌ها از بین رفته است. آیا مرزها وجود دارند؟ (نه، از بین رفته‌اند.) ثبت نام برای شما امری ضروری است. من کتابهایی را آماده کرده‌ام تا شما با استفاده از آنها بتوانید به این امر دست پیدا کنید. من نیز می‌بایست ثبت نام می‌کردم. من شما را برای انجام چیزی تحت فشار گذاشتم که فکر می‌کردید در انجام آن ناتوان هستید. به همین خاطر شاید برای تحت فشار گذاشتن شما انسان بدی بنظر برسم، اما در واقع من انسانی بد در حوزه‌ی خدای خوبی هستم، ولی از نقطه نظر شیطان من یک دزد هستم. بنابراین هر دو اینها باید ثبت نام کنند. آن دو را با هم یکی کرده و سپس جدا کنید اگر کافی نبود به چهار قسمت تقسیم کنید. چه دوازده باشد و چه صد، بهر حال تقسیم کنید. آنها می‌گویند که بیایید تا با هم زندگی کرده و با هم بمیریم و حتی اگر غذایی جز آب خوردن نبود، در این صورت این تنها چیزی خواهد بود که خواهیم نوشید و به هیچ چیز دیگری هم نیاز نخواهیم داشت.

همگی شما چنین چیزی را به انجام رسانده‌اید، اینطور نیست؟ (بله) دستتان را بالا بیاورید اگر در انجام این امر ناتوان بوده‌اید. زندگی‌تان را بر اساس هون دوک و کلام بارور کنید. حتی در حال صرف غذا باید به چیزی که در هون دوک هه شنیده‌اید بیاندیشید، همواره باید به آن چنگ زده و پایدار بمانید.

هیو بول! (بله) مسئله بغرنج و حل نشدنی چیست؟ درباره امرار و معاش خود چه فکر می‌کنی؟ بسیار ساده است! رورند لی! فکرت را درباره‌ی چیزهای دیگر مشغول نکن. هم اینکه ثبت نام کرده‌ای دیگر نگران چیزی نباش! در نهایت چیز دیگری وجود ندارد. اکنون حتی اگر بدون خداحافظی این دنیا را ترک کنم، آیا از من خواهید پرسید که چرا اینگونه رفتم؟ از من چه می‌خواهید؟ من به شما گفته‌ام که باید ثبت نام کنید، اما شما چه می‌گویید؟ تمامی شما مجاز هستید تا چنین کنید. آیا فکر می‌کنید که از شما خواسته شده که دست و پا، بینی و چشمها یا آلات تناسلی‌تان را قطع کنید؟ نه چنین چیزی لازم نیست. تمامی اعضای بدن شما بدون هیچ عیب و نقصی باقی خواهند ماند. درست نیست؟ شما چیزی از دست نداده‌اید... آیا گوانگ بول بول در نهضت هماهنگ ثبت نام کرده یا نه؟ آیا جونگ نو بیون ثبت نام کرده یا نه؟ (گوانگ بول بول ثبت نام کرده است)...

تمامی این سنتها و قواعد از دوران نوجوانی من، در واقع از زمانی که من سیزده سال داشتم، بدون هرگونه تغییری مراعات شده‌اند. زنان نهضت هماهنگ نه از گفتار همسر یا پدر و مادر خودشان، بلکه از تعالیم من تبعیت کرده‌اند. به همین خاطر از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. در آن زمان تمامی پسرها و دخترها (از خانه‌هایشان) بیرون رانده شدند.

در این زمان در ارتباط با یافتن همسر برای فرزندان، اگر والدین نتوانند چنین چیزی ترتیب بدهند، آنگاه خود آنها باید نامزد پیدا کنند و من در مسیر ازدواج آنها با چنین نامزدی موافقت می‌کنم. اما وقتی که آنها برخلاف این عمل کنند، هیچ چیزی به درستی پیش نخواهد رفت. چنین سنتی جز در نهضت هماهنگ در هیچ کشور و در هیچ خانواده‌ی وجود ندارد. چیزی که می‌خواهم به شما بگویم این است که در صورت ثبت نام مورد عفو قرار خواهید گرفت...

من آخرین سخنرانی را قبل از جشن کریسمس آماده کردم، اینطور نیست؟ در آن سخنرانی درباره‌ی سه موضوع اصل آفرینش صحبت کردم، به شما گفتم که کشور کره موطن مردم برگزیده است و خلاصه همه چیز را به شما آموزش دادم...

از آنهایی که از ژاپن آمده بودند، خواسته شد تا همان زمان ثبت نام کنند و تمامی آنها قبل از رفتن قول دادند تا چنین کنند. و

حالا بطور عمومی اعلام می‌کنم که همگی باید ثبت نام کنید، آن دزدهایی که چنین کنند، شهروندان پادشاهی بهشتی خواهند شد. باید تمامی مطالب عنوان شده در طی هون دوک هه را بخوانید تا به درستی سخنان من پی ببرید.

آنها کتابهای آموزشی پادشاهی بهشتی هستند. آنها حتی در ورای کتابهای آموزشی باغ عدن، کتابهای آموزشی دنیای مذهبی سقوط کرده یا کتابهای آموزشی اخلاقیات برای انسانها، کتابهای آموزشی راه بهشتی هستند. برآستی چیزی بالاتر از آنها وجود ندارد و شما باید خودتان را براساس آن پایدار نگاه دارید. بدینوسیله باید به زمان قبل از ارتکاب به اولین گناه در باغ عدن بازگشته و در مقام زن و شوهری قرار بگیرید که از میوه‌ی درخت خوب و بد نخورده‌اند...

بله "پدر شاه" اسم عزیزی است که نوهام به من داده است. او همیشه مرا "پدر شاه" و مادر را "مامان ملکه" صدا می‌زند. برای او این عبارت به معنای پدربزرگ یا مادربزرگ است. قبل از آدم، پدربزرگ او و پدر او بودند و می‌توان آنها را شاه پدر، شاه مالک، شاه راهنما نامید. همه چیز صدق می‌کند ...

نوه‌هایم برای زودتر از خواب برخاستن و احوالپرسی کردن با پدر شاه مسابقه دارند. "کی زودتر بلند شد؟ آیا من نبودم که زودتر از همه بلند شدم؟ من می‌خواهم تا اولین کسی باشم که به پدر شاه سلام و صبح بخیر می‌گوید. تو باید بعد از من چنین کنی!" انگاری چنین چیزی به یک سنت مبدل شده است...

من نیز چنین زیسته‌ام، هر فردی که از کتابها و مواد آموزشی پیروی کند، بدون توجه به اینکه چه کسی است می‌تواند ثبت نام کند. تمامی مرزهای ملی از بین خواهند رفت، اینطور نیست؟ (بله درست است.) مرزهای کشوری همه نابود خواهند شد.

اگر شما بعنوان یک محکوم در برابر قاضی، دادستان و شاکی در انتظار مرگ خود بوده باشید، حتی سه ثانیه قبل از اجرای حکم اعدام، اگر ندای ثبت نام را پذیرا شوید، از تمامی گناهان میرا خواهید شد. وقتیکه اعلام کنید که ثبت نام کرده‌اید تمامی آن کسانی که آنجا جمع شده‌اند در برابر شما سجد خواهند کرد. در آن کشور امید، همه چیز بسرعت تغییر خواهد کرد. بله همه چیز به موضوع ثبت نام بستگی دارد.

ثبت نام (ایبجاک) یعنی اینکه دزد می‌آید. متوجه می‌شوید؟ ثبت نام یعنی این، به این خاطر یک کلمه همه چیز را حل و فصل کرده است و هیچ کسی نیست که درباره ثبت نام چیزی نداند، اینطور نیست؟ (درست است)...

اکنون من می‌توانم هر چه که بخواهم انجام دهم، چه بوسیدن مادر باشد، و چه رقصیدن با او و بپا کردن غوغا باشد. مهم نیست که چقدر سرو صدا راه بیاندازیم، به فکر تان خطور هم نکند که ببایید و ما را تماشا کنید. اکنون که ثبت نام کرده‌اید، با همسرتان به همین صورت زندگی کنید. در صورت تبعیت از کلام، کتابها و مواد آموزشی، شما آزاد هستید تا ثبت نام کرده و به هر شکلی که می‌خواهید زندگی کنید.

(نوه پدر، شین جون نیم وارد سالن شده و به پدر می‌گوید، وقت ناهار است و پدر می‌گوید:) بله، ما باید برویم. (مجری برنامه از آقای یو می‌خواهد تا آگ مانسی را اجرا کند) باید فریاد "جاوید باد ثبت نام" سر دهیم. تا به این زمان تمامی آن چیزهایی را که با فریاد آگ مانسی درخواست کرده‌ایم به انجام رسیده‌اند. (مجری برنامه: امروز کلام پدر راستین ...) اوه دیگر بس است دیگر لازم نیست تا کسی چیزی بگوید. ما می‌رویم، حتی خداحافظی هم نیاز نیست. لطفا از هم قدردانی کرده و خوب زندگی کنید!

پایان/